

گفتگو با عباس و مستان، برادران فیلمساز

دو برادر، از فعالیت‌های ساده تا

فتح قله موفقیت

ترجمه: اکبر شاهپوری



شاهرخ خان



ریشی کاپور

قصه فیلمهای آنها مثل فیلمهای دیگر نیست. عباس و مستان کار خود را از یک دفتر کوچک شروع کردند و خیلی سریع به صورت مطرح‌ترین چهره‌های روز دنیای سینمای هند درآمدند. آنها در این رابطه تلاش و تقاضای زیادی کردند. آنها این موفقیت را مدیون فیلمهای پرفروشی مثل کیلادی، بازیگر و حتی دارار هستند.

عباس و مستان دو برادر هستند که فیلمهای خود را به طور مشترک می‌سازند. به گفته خودشان فیلمهایشان را با دل می‌سازند. آنها هم مثل هر فیلمساز دیگری با بازیگران فیلمهای خود مشکلاتی داشته‌اند. اما هیچ‌کس نمی‌تواند منکر آن شود که بازیگرانی مثل شاهرخ خان، کاجل، شیلیپاشتی، ارباز خان و آکشی کومار موفق‌ترین نقش‌های سینمایی‌شان را برای این دو برادر بازی کرده‌اند.

موفقیت‌های فراوان عباس و مستان که باعث شده از آنها به عنوان پیشگامان قلمرو کارگردانی اسم پرده شود، بهانه خوبی برای گفت و گویی با آنها است.

در کیلادی اولین فیلم موفق و پرفروش آنها آکشی کومار و عایشه چولکا نقش‌های اصلی را دارند. فیلم ماجرای چند همکلاسی است که به دنبال پیدا کردن چمدانی پر از پول، مشکلات و خطر، مثل آواری بر سرشان می‌ریزد. یکی از این چند همکلاسی به قتل می‌رسد و در پایان فیلم، زمانی که پلیس مجرمین اصلی را دستگیر می‌کند، معلوم می‌شود به جای مقتول قرار بوده یکی دیگر از بچه‌ها کشته شود و قاتل اشتباهی مقتول را به قتل رسانده است.

بازیگر در هند مثل بسب صدا کرد. برای اولین بار در سینمای هند یک ضد قهرمان کاراکتر اصلی فیلم می‌شود. شاهرخ خان که با نقش آفرینی در این فیلم تبدیل به چهره اول سینمای هند شد در بازیگر نقش جوان خوش چهره و پرکاری را بازی می‌کند که به طور همزمان با دو خواهر ثروتمند (کاجل و شیلیپاشتی) در اولین نقش‌های سینمایی خود دوست می‌شود و به هر دو قول ازدواج می‌دهد. در دنباله داستان، او خواهر کوچکتر (شیلیپاشتی) را از یک برج به پایین پرت کرده و می‌کشد و با خواهر بزرگتر (کاجل) ازدواج می‌کند. کاجل هیچ اطلاعی از این ماجرا ندارد.

کمی بعدتر شاهرخ خان دو شاهد دیگر را که ممکن است او را لو بدهند به قتل می‌رساند. اما مسایلی رخ می‌دهد که کاجل به شاهرخ خان شک می‌کند. در بازرسی منزل مادری شاهرخ خان، کاجل همه حقیقت را متوجه می‌شود. شاهرخ خان در درگیری پایان فیلم با پدر خانواده همسر خود، به قتل می‌رسد و قبل از مرگ از همسرش می‌خواهد او را ببخشد.

علت کارهایی که شاهرخ خان می‌کرده به اختلافات خانوادگی دو خانواده برمی‌گشته است. بیست سال قبل پدر خانواده کاجل که فقیر بوده، ثروت خانواده شاهرخ خان را از چنگشان درمی‌آورد. فقیر شدن خانواده به مرگ مادر و خواهر کوچک شاهرخ خان منجر می‌شود. شاهرخ خان با کارهایی که کرده انتقام خانوادگی‌اش را گرفته است.

در فیلم دارار، ریشی کاپور، جوهری چاولا و ارباز خان بازی کرده‌اند. جوهری چاولا دختر جوانی است که شبانه از منزل خود فرار کرده و به شهر دیگری می‌رود. علت فرار، ارباز خان شوهر او است که آدمی بسیار بدبین است و به همسر خود شک دارد. در شهر جدید او با ریشی کاپور آشنا شده و ازدواج می‌کند. کاپور از گذشته چاولا چیزی نمی‌داند.

زمانی که جوهری چاولا احساس می‌کند دارد طعم خوشبختی را می‌چشد، ارباز خان محل جدید زندگی او را پیدا کرده و به سراغش می‌رود. ارباز خان که قبلاً به دلیل سوءظن، پزشک محلی را به قتل رسانده، قصد کشتن جوهری چاولا و ریشی کاپور را دارد. او در کنار ایستگاه راه‌آهن چاولا و کاپور را مضروب می‌کند. با استفاده از یک فرصت کوتاه، کاپور پای ارباز خان را در بین دو میله ریل راه‌آهن گیر می‌اندازد. قطاری از راه می‌رسد. جوهری چاولا به سرعت ریل‌ها را جابجا کرده و از ارباز خان می‌خواهد جان خود را نجات دهد. اما ارباز خان که می‌بیند همسر سابقش علیرغم تمام زجر و شکنجه‌هایی که دیده - نمی‌خواهد او بسیرد، تصمیم می‌گیرد کشته شود. در جلوی چشمان به‌ت‌زده جوهری چاولا و ریشی کاپور، ارباز خان به استقبال مرگ رفته و در اثر برخورد با قطار کشته می‌شود.

فیلمهای فوق به دلیل تازگی سوزه مورد پسند و استقبال تماشاگران هندی قرار گرفت. اما تعدادی از منتقدین سینمایی که جنبه‌های اجتماعی فیلمها را مورد بررسی قرار می‌دهند، با این فیلمها با لحنی انتقادی برخورد کردند و از اینکه کارگردانان شخصیت‌های ضد قهرمان را به عنوان کاراکترهای اصلی خود انتخاب کرده‌اند، به آنها انتقاد کردند.

البته زهر ماجراها با ندامتی که این کاراکترهای ضد قهرمان در پایان فیلم گرفتار آن می‌شوند، گرفته می‌شود، اما با این حال منتقدین بر انتقادات خود پای فشردند.



تعدادی از آدمهای صنعت فیلم هند این احساس را داشتند که ما هیچوقت نمی توانیم خودمان را با سبک

فیلمسازی هند تطبیق دهیم:

گفته می شود حتی پس از دو فیلم موفق در کارنامه سینمایی تان، شما دوران بسیار سختی را پشت سر گذاشتید تا بتوانید در صنعت سینمای هند برای خود جایی باز کنید.

عباس: این یک واقعیت است که اگرچه ما در «گجرات» فیلمسازان موفقی بودیم، اما باید با مسایل و مشکلات زیادی در صنعت سینما روبرو می شدیم. علت آن است که ما از جایی می آمدیم که پس زمینه روستایی و منطقه ای داشت. عجیب اینکه این صنعت سینما، چشم انتظار کارهای خوب نیست. برای آنها زبان اهمیت بیشتری دارد تا موضوعات.

تعدادی از آدمهای صنعت فیلم هند این احساس را داشتند که ما هیچوقت نمی توانیم خودمان را با سبک فیلمسازی هندی تطبیق دهیم. با خلق دو فیلم موفق و پر فروش در «گجرات»، ما باید به تلاش خودمان ادامه می دادیم و موقعیت خاص خودمان را در صنعت سینمای هند محکم می کردیم.

بعد از اینکه ما با فیلم کیلادی توانایی های خودمان را ثابت کردیم، به طور طبیعی تمام دهانها بسته شد. حالا ما اختیار خاص خودمان را پیدا کرده ایم.

همه در صنعت سینما از این واقعیت صحبت می کنند که در طول تولید فیلم «بازیگر»، شلیپاشتی از نوع کار شما اظهار نگرانی می کرد. او فکر می کرد با توجه به اینکه این فیلم اولین کار سینمایی اوست، شما نمی خواهید فرصت کار و عرض اندام به او بدهید، او خیلی صریح در مطبوعات اعلام کرد شما نقش کم اهمیتی در فیلم به او داده اید. او حتی گفته «بازیگر» به جای اینکه به او کمک کند تا فیلمهای بهتری را پس از آن بازی کند، برعکس عمل کرده است. شتی می گوید در این فیلم از جانب شما جدی گرفته نشده است. درباره این بحث و جدل شما چه می گوید؟

عباس: بله، درباره حرفهای احسانانای که شلیپاشتی در اینجا و آنجا علیه ما زده، ما هم چیزهایی شنیده ایم. ما می دانیم که او تلاش کرده در صنعت سینمای هند ما را سکه یک پول کند. اما ما ترجیح می دهیم در این رابطه سکوت کنیم، چرا که احساس می کنیم توجه به آن و پرداختن به آن کاری احسانانای است. هنگام تولید فیلم او در رابطه با ما نگران به نظر می رسید، چرا که فکر می کرد ما نمی خواهیم آن اعتبار لازم را به او در فیلم بدهیم. اما این تفکر کاملاً غلط بود. او در رابطه با ما دچار سوء تفاهم شده بود.

او فکر می کرد که چون یک تازه وارد است، ما می خواهیم به او نقش کوتاهتر و کم اهمیت تری بدهیم. اما ما می خواستیم یک چهره تازه را برای این نقش معرفی کنیم که مناسب این نقش هم باشد. به همین خاطر او را برای فیلم انتخاب کردیم. ما حتی این نکته را هم می دانستیم که به دلیل تازه کار بودن او، باید بر روی شیوه بازیگری و نوع کارش به مقدار زیادی کار کنیم تا به تماشاگران فیلم ثابت کنیم، انتخابمان غلط نبوده است.

مستان: یک واقعیت هم این است که ما نمی توانستیم نقش او را حتی یک صحنه بیشتر از آنچه که در فیلم هست افزایش دهیم. اگر چنین می شد باید کل فیلمنامه را تغییر می دادیم. اما ما هیچ اعتقادی به تغییر کمی یا کیفی هیچیک

از فیلمنامه هایمان نداریم. ما بخاطر خواست بازیگران و ستارگان فیلمهایمان دست به چنین کاری نمی زدیم. به همین دلیل نوع رفتار شلیپاشتی خیلی مضحک است. چگونه می توان نقشی را فقط برای شناسایی بیشتر تماشاچی، افزایش داد و بلند کرد؟ مسأله هم تأثیری است که این نقش و کاراکتر می تواند بر روی تماشاچی بگذارد.

ما تلاش کردیم او را متقاعد کنیم که اگرچه او در نیمه دوم فیلم هیچ حضوری ندارد، اما تمام آن صحنه ها در ارتباط با کاراکتر او رخ می دهد. اما او نتوانست فرق بین یک نقش بلند و یک نقش تأثیرگذار را درک کند. همگان می دانند که این فیلم بازیگر بود که او را به صورت بازیگر مطرحی در آورد که امروز شاهد آن هستیم. خوشحال می شویم اگر او در آینده به ما ثابت کند ما اشتباه فکر می کردیم، چرا که بعد از بازیگر او هنوز در فیلمی بازی نکرده که جزو پر فروش های روز باشد.

به عنوان کارگردانان فیلم «بازیگر» چگونه خودتان را قانع کردید که قهرمان فیلم خود را یک آدم شرور و منفی انتخاب کنید؟ زمان تولید فیلم، فیلمنامه شما یک اضطراب عمومی ایجاد کرد حتی بسیاری از دست اندرکاران صنعت سینما پیش بینی کردند که فیلم یکی از بزرگترین شکست های تجاری سالهای اخیر خواهد شد. اما ستاره بخت شما بلند بود و برعکس، فیلم شما به یکی از بالاترین فروش ها دست پیدا کرد. چگونه فکر می کردید تماشاگران متقاعد خواهند شد که یک شخصیت منفی را در قالب کاراکتر اصلی ماجراها ببینند؟

مستان: اول از همه اینکه تا این تاریخ، همه فیلمهای ما یک چنین سرزدهایی داشته اند، سرزدهایی که ما عمیقاً به آنها اعتقاد داریم. فیلمنامه هایی که بتوانند ما را قانع کنند، در اکران عمومی هم جدی گرفته می شوند. از طرف دیگر بگذارید این نکته را به شما بگویم که ما خیلی سخت متقاعد می شویم که فیلمنامه ای خوب و منطقی است. فیلمنامه بازیگر توانست ما را متقاعد کند که آنرا بسازیم.

عباس: ما می خواستیم فیلمی بسازیم که بخش وسیعی از تماشاگران بتوانند با کاراکتر اصلی ما مثل تمام آدمهای معمولی دیگر ارتباط برقرار کرده و او را درک کنند. می خواستیم این پذیرش همراه با درک و قبول تمام جنبه های مثبت و منفی او باشد. چرا کاراکتری که در فیلمهای سینمایی «شرور» خوانده می شود باید در خدمت این قرار گیرد که قهرمان فیلم از او انتقام بگیرد؟

بازیگر هم یک فیلم انتقام گیرانه معمولی بود. اما، این خواست ما بود که کار کمی متفاوت باشد و علت این موفقیت عظیم را نیز من در همین نکته می دانم. اول از همه، بسیاری این سؤال را مطرح می کردند که آیا فیلم می تواند یک دلیل اولیه قابل قبول از ماجراهای خود ارائه دهد یا خیر؟ اما ما کاملاً از قصه مان مطمئن بودیم و می دانستیم که تعلیق داستان به تماشاگران اجازه نخواهد داد که فیلم را نیمه کاره رها کنند و از سالن سینما خارج شوند. البته علیرغم این فاکتورها، شاهرخ خان و کاجل با بازی بسیار خوب و سطح بالای خود، کمک فراوانی کردند تا فیلم تبدیل به کاری بسیار موفق شود.

گفته می شود هیچیک از فیلمنامه های شما اریژینال نیست. اکثر آنها دوباره سازی فیلمهای هالیوودی و یا هندی هستند. آیا این به علاقه شما برای دوباره سازی فیلمهای معروف برمی گردد یا اینکه خودتان توانایی خلق قصه های تازه را ندارید؟

عباس: اول از همه اینکه ما طی نه سال فعالیت سینمایی فقط ۴ فیلم آگنی کال، کیلادی، بازیگر و دارار را ساخته ایم. من موافقم که بازیگر قصه ای شبیه فیلم

آمریکایی بوسه ای قبل از مرگ دارد و همچنین شنیده ام. فیلمهای یارانا و آگنی ساکشی قصه شان شبیه دارار است. اما این مسأله برای ما هیچ فرقی ندارد، چرا که ما هیچیک از این فیلمها را تا به امروز تماشا نکرده ایم.

به همین خاطر بحث درباره دوباره سازی فیلمهای دیگران توسط ما ضرورتی ندارد. ما نخواسته ایم تأثیری از این فیلمها بگیریم تا چیزی شبیه آنها تولید کنیم. ما همیشه از اصل قصه ای که نوشته ایم احساس رضایت می کنیم و بعد آنرا گسترش می دهیم. هر فیلمی می تواند به نوعی الهام دهنده باشد و ما هنگام نوشتن فیلمنامه می توانیم به سبک خاص خودمان از آن بهره بگیریم. من مطمئنم که فیلمهای ما با یکدیگر تفاوت خواهد داشت.

مستان: در حال حاضر چندین دهه است که قصه های عاشقانه ساخته می شود. آیا باید گفت آنها از یکدیگر تقلید می کنند؟ ممکن است این فیلمها در یک سری مسایل اساسی شبیه به هم باشند، اما مطمئناً کپی هایی از یکدیگر نیستند. یقیناً، از این کارگردان تا آن کارگردان، نوع برداشت متفاوت خواهد بود. من با آنکه یارانا و آگنی ساکشی را ندیده ام، اما مطمئن هستم دارار با آنها فرق خواهد داشت. ما فیلمهایی کاملاً هندی می سازیم و سبک خاص خودمان را در فیلم اعمال می کنیم.

به نظر می رسد که خیلی آرام کار می کنید. اکران عمومی فیلمهایتان نشان می دهد که تولید یک فیلم شما مدت زمان طولانی وقت می برد. کیلادی سال ۹۲ و بازیگر سال ۹۳ اکران عمومی شدند. دارار هم تازه آماده نمایش شده است. فکر نمی کنید باید کمی سریعتر کارتان را انجام دهید؟ همچنین گفته می شود که شما سر صحنه خیلی ایراد می گیرید.

مستان: خیلی خوشحالم که ما کارمان را به آرامی انجام می دهیم! حداقلش این است که احساس نمی کنیم وقتمان بی بهره تلف شده است. از سری دیگر ما فرصت داریم تا بر روی فیلمهایمان کار کنیم. اما شاید برایتان تعجب آور باشد که ما کارمان را آرام انجام نمی دهیم. برعکس، ما کیلادی را هفت ماهه و بازیگر را نه ماهه ساختیم. ما علاقه ای به تولید چند فیلم همزمان نداریم. ما اول یک فیلم را تمام می کنیم و بعد به سراغ کار بعدی می رویم. همیشه این ستارگان فیلمها هستند که سرشان شلوغ است.

عباس: معمولاً فیلمبرداری فیلمهای ما مدت زمان زیادی طول نمی کشد. طولانی شدن کار هنگام نوشتن فیلمنامه است. ما معتقدیم فیلمنامه مهمترین عامل در خوب یا بد شدن فیلم و موفقیت یا عدم موفقیت آن است. حتی اگر یک فیلمنامه بد توسط یک کارگردان بزرگ ساخته شود، باز هم نمی تواند مردم را به سالنهای سینماها بکشاند.

ما هیچوقت با یک فیلمنامه محدود و یا آماده کار نمی کنیم. تا آخرین صحنه فیلم که فیلمبرداری می شود، ما هنوز در حال بحث، جدل، تحلیل و تصحیح هستیم تا ایده های تازه ای که می تواند فیلمنامه را جذابتر کند به آن تزریق کنیم.

اما فراموش نکنید که ما بخاطر میل بازیگران فیلم، صحنه ای را تغییر نمی دهیم. ما می دانیم که آنها آدمهای پرکاری هستند و دوست دارند اظهار نظر بکنند. ما در یک زمان بر روی چند فیلم کار نمی کنیم چون اعتقاد داریم باید تمام فکر و ذکرمان را فقط به یک فیلم معطوف کنیم، تا آن فیلم اثر خوبی از آب درآید.